

شکر محمد نوری زاد از مقام معظم رهبری

آن روزها که من نامه پشت نامه می نوشتم و از حضرت آقا خواهش می کردم بخاطر جفاهای رخ داده بیایند و از مردم پوزش بخواهند، عده ای از دوستان تلاش مرا بیپوده می دانستند. خودم با دوگوش خودم شنیدم که یکی به دیگری می گفت: فلانی (یعنی نوری زاد) اگر پشت گوشش را دید پوزشخواهی رهبر را هم خواهد دید! جماعتی نیز مسخره ام می کردند که رهبر کجا و پوزش کجا؟ حتی یکی آمد در خانه وزنگی زد و این را گفت و رفت: آب درهاون مکوب!

اما اکنون این منم که سر بلند از این انتظار فرساینده سر بر آورده ام. اکنون این منم که می توانم فریاد بزنم: آهای ای همه ی شمایی که پوزشخواهی رهبر را ناممکن می دانستید، بچشم خود آیا ندیدید و با دوگوش خود نشنیدید که رهبر در همین سفر به خراسان شمالی با صدای بلند هم از خدا پوزش خواست هم از تاریخ؟ به این جملات سوزناک و درد مندانه ی ایشان دقت کنید:

من همین جا در داخل پرائنز عرض بکنم؛ یکی از خطاهائی که خود ما کردیم - بنده خودم هم در این خطا سهیمم - این مسئله ی تحدید نسل از اواسط دهه ی ۷۰ به این طرف باید متوقف میشد.... این را متوقف نکردیم؛ این اشتباه بود. عرض کردم؛ مسئولین کشور در این اشتباه سهیمند، خود بنده ی حقیر هم در این اشتباه سهیمم. این را خدای متعال و تاریخ باید بر ما ببخشند.....

“ تحدید نسل ” یعنی همان تنظیم امور خانواده ی خودمان. که قبلاً می گفتند دوتا بچه کافیه، حالا رهبری فرمایند: ما اشتباه کردیم که گفتیم دوتا بچه کافیه. این حرف، اولش اگر خوب بوده حالا دیگر نیست. پس چندتا؟ هر چه بیشتر بهتر! من می گویم: ببینید دوستان، بیاید و قدر شناس باشییم. شاکر باشییم. بخداوندی خدا این طلب بخشایش مقام معظم رهبری کم چیزی نیست. اگر قدرش را ندانیم همین هم از کف مان بیرون می رود. از قدیم گفته اند: شکر نعمت نعمت افزون کند / کفر، نعمت از کف بیرون کند. یک بار دیگر به محتوای سخن ایشان دقت کنید.

مهم نیست که اصل سخن را به داخل پرائنز برده اند. مهم همان طلب بخشایش از خدا و تاریخ است. شاید برسید: پس سهم مردم در این میان چه می شود؟ یعنی چرا ایشان از مردم پوزش نخواسته اند؟ جوابش را می دهیم: حتماً لابد وقتش نرسیده. وقتش که برسد، یک وقت دیدید علاوه بر خدا و تاریخ، از مردم هم طلب بخشایش کردند. فعلاً وقتش فرانسیده. یا شاید هم مردم آنقدر متمول و صاحب جاه و جلال نیستند که بشود از شان طلب بخشایش کرد. یعنی این مردم چیزی توی دستشان نیست که بتوانند ببخشند. فعلاً خدا و تاریخ را در دستور کار قرار داده اند و بعداً سرفرصت نوبت به مردم هم می رسد.

هوشیار باشییم دوستان. ایشان در این سخن، یک عذرخواهی از خدا کرده اند و یک عذرخواهی از تاریخ. این شد دوتا عذرخواهی. بابت چی؟ بابت همان بی توجهی به تولید بچه. حالا چرا این عذرخواهی از خدا و تاریخ این همه سال به تعویق افتاده و امسال بر زبان ایشان جاری می شود؟ شاید به این دلیل که سال سال تولید و حمایت از تولید داخلی است. و چه تولیدی مناسب تر از تولید بچه! یعنی وقتی کارخانه ها و مراکز تولیدی کشور تعطیل اند و غبار فلاکت به رویشان نشسته حداقل تولید بچه که می تواند آمار تولیدات ما را رونق بخشد.

من به همه ی شما اطمینان می دهم که ایشان از میان این همه سوژه برای عذرخواهی تنها به همان یک دلیل انگشت بریچه ی فراوان نهاده اند، وگرنه مگر سوژه های عذرخواهی کم بود دم دست ایشان؟ مثلاً همانجا میان مردم بجنورد نمی توانستند به سمت مشهد مقدس اشاره کنند و بفرمایند: ای مردم، من بخاطر بر ساختن لاشخور خانه ای به اسم تولیت آستان قدس رضوی نه از خدا، و نه از تاریخ، که مستقیماً از خود شما پوزش می طلبم. تولیتی که برای هیچ دستگاه قانونی و نظارتی و حسابرسی تره خورد نمی کند. و آقازاده ی جناب تولیت، به برکت پول مفتی که پدر در کیسه ی او می ریزد، برای خود دم و دستگاه تریلیاردی بر آورده.

یا همانجا در میان مردم بجنورد، نمی توانستند بخاطر پولهای فراوان و بی حسابی که خود ایشان بدون رضایت مردم از اموال مردم برداشته اند و به افغانستان و سوریه و لبنان و حزب الله بذل و بخشش کرده اند پوزش بخواهند؟ یا بخاطر سالها بی قانونی و مصادره و اعدامهای بی دلیل و بدون محاکمه؟

یا مثلاً خون جوانانی را که جناب طائب و جناب مصلحی با مساعدت چماقداران و عمه های اطلاعاتی شان بر آسفالت خیابانها ریختند، ارزش یک پوزشخواهی مختصر نداشت؟ یا همین نکبتی که ایشان با حمایت از مالیخولیایی به اسم احمدی نژاد بر سر مردم ایران آوار کرده اند؟ یا فضای امنیتی ای که ایجاد کرده اند؟ یا حقارتی که برای ایران و ایرانی فراهم آورده اند؟

اصلاً همه ی اینها بکنار، ایشان نمی توانستند بخاطر از ریختن سیستم قضایی و قانونگذاری از مردم پوزش بخواهند؟ مثلاً بفرمایند: ای مردم، مرا ببخشید اگر در برابر دستگاه قضایی سینه سپر کردم و اجازه نداده ام دزد تابلوداری مثل محمد رضا رحیمی به چارمیخ کشیده شود؟

خلاصه خیلی چیزها بود و خیلی چیزها هست که می شد بابت آنها پوزش خواست. منتها همچنان که گفتم: نه از خدا و تاریخ، بل مستقیماً از مردم. وقتی ما به مردم بدهکاریم، به میان کشاندن پای خدا و تاریخ دیگر چه ترفندی است؟ اما خدا بدهد برکت. همین که ایشان طلسم پوزش نخواستن را شکستند، خودش یک جور پیروزی است. پیروزی برای مردمی که هنوز مجبورند برای دلخوشی ایشان شعار بدهند: انرژی هسته ای حق مسلم ماست. مردمی فلک زده ای که هیچ مسئولی از دیگر حقوق مسلم شان نمی پرسد.

محمد نوری زاد - بیست و یکم مهر ماه سال نودویک

سایت رسمی <http://nurizad.info>